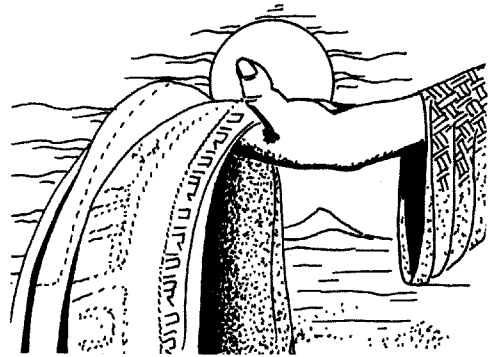


# امیر مؤمنان علی رضی الله عنه و ارسال پرده کعبه



علی دوانی

از زمانی که شماره‌های عربی و فارسی مجله گرامی فصلنامه «میقات حج» را دیده و خوانده‌ام، در صدد بودم که من نیز طبق مناسبت‌ها، مقالاتی بنویسم و تقدیم کنم، لیکن گرفتاریها این توفیق را از من گرفته است. تا اینکه اخیراً در شماره ۲۵ «میقات حج» (فارسی) مقاله‌ای خواندم که لازم دانستم درباره آن توضیحی بدهم و به شبهه‌ای که برای خوانندگان ایجاد می‌کند، پاسخ دهم. در آن مقاله دو قسمت بود که هر یک را جداگانه می‌آورم و درباره‌اش توضیح می‌دهم:

## (۱)

و خلفا (ابوبکر و عمر و عثمان) مطالبی آورده و نوشته است که آن را در کجا می‌بافتند و چگونه به مکه می‌آوردند و کعبه را پوشش می‌دادند. پس از آن چنین آورده است:

در شماره مزبور (۲۵) فصلنامه، صفحه ۸۴ در مقاله‌ای با عنوان «جامه کعبه» معظمه در طول تاریخ، نوشته دکتر السید محمد الدقن و ترجمه آقای دکتر هادی انصاری، سابقه پوشش کعبه در زمان پیغمبر

«اما [حضرت] علی بن ابی طالب علیه السلام را هیچ یک از مورخان یاد نکرده‌اند که جامه‌ای را بر کعبه قرار داده باشد. آنان علت این مطلب را درگیری آن حضرت در جنگها و فتنه‌های داخلی، که دولت اسلامی را پس از قتل عثمان گرفتار نمود، دانسته‌اند.»<sup>۱</sup>

مأخذ این نقل را در «پی‌نوشتها» به شماره ۳۰ «اخبار مکه» از زرقی، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳ یادداشت کرده است.<sup>۲</sup>

از زرقی مورخ مکه گفته است: «هیچ یک از مورخان یاد نکرده‌اند که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جامه‌ای بر کعبه پوشانده باشد»، در حالی که در روایات درباره‌ی اهل بیت علیهم السلام عکس آن است.

در کتاب نفیس و معتبر «قرب الاسناد» تألیف محدث ثقة بزرگوار عبدالله بن جعفر حمیری از دانشمندان بزرگ ما در اواخر سده سوم هجری و زنده در سنه ۳۰۰ هجری، به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرش امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«علی علیه السلام پرده کعبه را همه ساله از عراق می‌فرستاد.»<sup>۳</sup>

کتاب قرب الاسناد حمیری نخستین بار به امر آیت الله العظمی بروجردی علیه السلام

مرجع مطلق عصر، چاپ و منتشر گردید. می‌دانیم که علی علیه السلام در زمان خلافتش در عراق بوده است و «درگیری آن حضرت در جنگها و فتنه‌های داخلی، که دولت اسلامی را پس از قتل عثمان گرفتار نمود»، مانع از آن نبوده است که آن حضرت ارسال پرده خانه خدا را فراموش کند، بلکه با همه شورش‌ها و سرکشی‌های مخالفان و جنگهایی که بر ضد حضرت راه انداختند، آن امام عظیم الشان هر سال پرده کعبه را از عراق می‌فرستاد تا کعبه را با آن پوشش دهند.

جای تأسف است که نویسندگان محترم چنین کتابی از «پوشش کعبه در طول تاریخ» سخن بگویند و اظهار کنند که تمام خلفا و امرای اسلامی در این اندیشه بوده‌اند غیر از علی علیه السلام! و از این خبر مهم و جالب بی‌خبر باشند!

در همین صفحه کتاب «قرب الاسناد»، حمیری باز به سند خود از امام صادق و آن حضرت از پدرش امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که: «علی علیه السلام اجازه داد امان نامه برده مسلمان برای مردم قلعه‌ای (که در آن متحصن بودند) نافذ باشد و فرمود: او هم از مسلمانان است.»<sup>۴</sup>

این را داشته باشید و نگاه کنید به



مدینه علم پیغمبر، حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام است.<sup>۶</sup> و سالها بعد که این حدیث را در قرب الإسناد دیدم، متوجه شدم مطلب همان است که حدس زده بودم، و اینک شما آن را به نقل از امام صادق و امام باقر علیهما السلام نوادگان معصوم آن بزرگوار می بینید که آن را علی علیه السلام فرموده است. قطعاً مورخان از آنها بی اطلاع نبوده اند، ولی چقدر حق کشی نموده اند که آن را به تبع عمل حکام بنی امیه و بنی عباس که سعی در خاموش ساختن فضائل و مناقب آن حضرت داشته اند، نادیده گرفته و کتمان کرده اند!

به مناسبت «الکلام یجز الکلام» می گویم: در جایی دیدم که روزی منصور خلیفه عباسی نشسته بود و مگسی مرتب روی صورت او می نشست و مزاحم بود. منصور از مقاتل بن سلیمان مفسر پرسید: می توانی بگویی خداوند این مگس را برای چه خلق کرده است؟ مقاتل گفت: «لیذّل الظالمین»؛ «برای اینکه ستمگران را به ستوه آورد!»

من همان موقع خیلی بعید می دانستم که این سخن مقاتل بن سلیمان مفسر در محضر خلیفه مهیبی چون منصور باشد و مقاتل چنین جرأتی از خود نشان دهد

نوشته یاقوت حموی در «معجم البلدان» در لفظ «شهریاج» که می نویسد: شهری در فارس بوده است. از فضیل بن زید رقائی روایت شده که گفت: در زمان حکومت عبدالله بن عامر بن کریر، شهریاج را محاصره کردیم. او به فارس رفت تا آن جا را فتح کند. روزی تصمیم گرفتیم آن را فتح کنیم، رفتیم و جنگیدیم و به لشکرگاه برگشتیم. برده ای از ما در محل ماند. او پس از بازگشت ما امان نامه ای نوشته و به تیری بسته و برای آنها به درون قلعه رها کرده بود. روز دیگر که به جنگ رفتیم دیدیم اهل قلعه بیرون آمدند و گفتند: «این امان نامه شماست که به ما داده اید، و دیگر نباید با ما جنگ کنید.»

ما موضوع را نوشتیم و برای عمر به مدینه فرستادیم. او هم جواب داد: «برده مسلمانان از مسلمانان است و امانی که داده است مثل امان نامه خود شماست، امان او را نافذ بدانید. ما هم آن را تنفید کردیم.»<sup>۵</sup>

وقتی این را در «معجم البلدان» یاقوت دیدم، مانند موارد مشابه دیگر، حدس نزدیک به یقین زدم که خلیفه عمر، موضوع را در شورای صحابه مطرح کرده و جوابی که داده است، همان سخن باب

و چنین سخنی در جواب خلیفه بگوید. بعدها در شرح حال امام صادق علیه السلام دیدم که منصور این پرسش را از آن حضرت کرده و آن وجود مقدس این پاسخ را داده است، آن هم بدین گونه: «لینذَلَّ به الجبایرة»؛ «برای این که جبّاران را ذلیل

کند»<sup>۷</sup>

فقط ذوات مقدّس ائمّه معصومین بوده‌اند که چنین برخوردهای بی‌مهابایی با طواغیت داشته‌اند. ببینید تاریخ و مورّخان چه بی‌انصافی‌ها نموده‌اند و چه حق‌کشی‌ها کرده‌اند!

## (۲)

بخش نخست مقاله «جامه کعبه معظّمه در طول تاریخ» را که در شماره ۲۵ فصلنامه «میقات حج» فارسی خواندم، صبر کردم تا شماره بعد برسد و بینم درباره دو قسمت از خلاف واقع که در این مقاله و شماره آمده، توضیح داده شده است یا نه اما متأسفانه در شماره ۲۶ هم ملاحظه شد که توضیحی نداده‌اند، و جبران نشده است، آن دو قسمت را در این مقاله آوردم تا درباره آنها توضیحی بدهم که معلوم شود هر دو خلاف واقع بوده است.

اما قسمت دوم که بیش از قسمت نخست باعث تأسّف و تعجب است، حدیثی است که باز ازرقی از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

«امروز عاشورا است، روزی است که سال به پایان می‌رسد و بر کعبه جامه پوشانده می‌شود، در این روز است که اعمال بندگان به آسمان برده می‌شود و من در چنین روزی روزه هستم، پس هر یک از شما دوست دارد این روز را روزه بگیرد!»

سپس از ابن جریر روایتی نقل می‌کند که:

«در روزگار گذشته معمول چنین بوده که پس از رفتن آخرین نفرات حاجیان از مکه، جامه‌های دیبا بر کعبه می‌پوشاندند تا مردم شکوه و زیبایی را بر کعبه نظاره کنند و

قسمت اول راجع به نفرستادن جامه کعبه در زمان خلافت ظاهری حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام توسط آن وجود مقدّس به مکه بود که توضیح دادیم خلاف واقع است.

خدا در آن روز روزه گرفته و سفارش کرده است که مسلمانان هم در آن روز روزه بگیرند!

در زیارت عاشورا که از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده، می‌خوانیم: «آنّ هذا يوم تبرّکت به بنو امیّة» و عجب است که تاکنون هم پیروان بنی‌امیه روز عاشورا را عید می‌گیرند و به آن تبرک می‌جویند.

لازم به یادآوری است که ما روایات زیادی داریم مبنی بر حرام بودن روزه در روز عاشورا. محدّث نامی، حاج شیخ عباس قمی، در مفاتیح الجنان، در «اعمال روز عاشورا» از جمله از صاحب کتاب «شفاء الصدور» نقل می‌کند که بنی‌امیه پس از واقعه کربلا چگونه روز عاشورا را بزرگترین و باسابقه‌ترین اعیاد اسلامی دانستند و چه روایت‌ها که در فضائل و قبولی اعمال در آن روز ساختند! بنا بر این عاشورا در نزد ائمه اهل بیت روزی مصیبت‌بار بوده است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب وسائل الشیعه، «باب حرمت روزه در روز عاشورا»، و کتاب بحار الانوار (ج ۴۰، چاپ جدید)، و... سفینه البحار و مجمع البحرین هر دو در لفظ «عشر» و معنای «عاشورا».

سپس در روز عاشورا جامعه اصلی آن را قرار می‌دادند.<sup>۸</sup>

آوردن چنین مطلبی از کتابی که نویسنده آن غیر شیعه است و مطلب را هم از ازرقی نقل کرده، چندان تعجب ندارد و جای تأسف نیست، ولی مناسب آن بود که مترجم محترم در مجله‌ای که به دست شیعیان فارسی زبان می‌رسد، این مطلب را توضیح دهد که این روایات مجعول است و ما اعتقادی به آن نداریم؟!

پس از آن هم آمده است: «این مراسم در روزگار بنی‌هاشم معمولاً روز هشتم ذی‌الحجه (=روز ترویبه) بوده است.»<sup>۹</sup>

در احادیث، عموماً روز عاشورا را روز غم و اندوه دانسته‌اند و روزی بوده که بنی‌امیه بعد از فاجعه کربلا و شهادت حضرت ابا عبدالله نواده رسول خدا و یاران باوفایش، آن را جشن می‌گرفتند و به شکرانه قتل اولاد پیغمبر که به امر یزید بن معاویه به شهادت رسیدند، به آن تبرک می‌جستند و برای آنها بزرگترین عید بوده است!

در همان زمانها روایات مجعول زیادی ساختند و از زبان پیغمبر گفتند که روز عاشورا مبارک است و نوشتند که رسول

## (۳)

دو مورد حق کشی و ناسپاسی تاریخ و برخی از مؤرخین دربارهٔ ائمهٔ اهل بیت علیهم‌السلام مطالبی را یادآور شدیم. اینک موردی دیگر را که با سوء نیت در اذهان برخی از مردم جای داده و آن را دستاویزی برای ملوک ساختن طایفهٔ بزرگی از مسلمانان یعنی شیعیان و پیروان صدیق ائمهٔ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام عنوان کرده و می‌کنند، می‌آوریم و در اطراف آن، مقداری توضیح می‌دهیم، باشد که افراد منصف و بی‌غرض را به کار آید:

در بعضی از کتب دیده‌ایم و از بعضی شنیده‌ایم که می‌گویند: شیعیان بعد از هر نماز سه بار دستها را تا بناگوش بالا می‌آورند و می‌گویند: «خان الامین» یعنی جبرئیل امین خیانت کرد! و توضیح داده‌اند که شیعیان عقیده دارند که پروردگار متعال جبرئیل را فرستاد تا علی را به پیامبری اختیار کند، لیکن او خیانت کرد و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان پیغمبر برگزید!

این معنی به قدری در میان طوائفی از مسلمانان رسوخ کرده است که حتی بعضی از علمای آنها نیز به چنین باوری رسیده‌اند.

در سفر نخست که می‌خواستیم به زیارت خانهٔ خدا و حج بیت‌الله بروم، استاد فقیدمان مرحوم آیت‌الله سید محمد باقر طباطبایی معروف به «سلطانی» عموزادهٔ مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مرجع مطلق تقلید شیعیان در ربع قرن گذشته، مرا خواست و فرمود: شنیده‌ام می‌خواهید به حج بروید؟ گفتم آری.

فرمود: من در سفر حج که چند سال پیش توفیق یافتیم، پس از بیرون آمدن از احرام، لباس روحانیم را به تن داشتیم و در کنار بیت نشسته بودم و ذکر می‌گفتم. یکی از علمای شافعی که مدرس حرم بود نزد من آمد و نشست و سر سخن را باز کرد. موضوعاتی از موارد اختلاف بین فریقین را مطرح نمود و گرم بحث شدیم.

او خود را معرفی کرد و گفت: من شیخ زکریا استاد معانی و بیان و اصول فقه هستم. من هم گفتم: من سید محمد باقر طباطبایی استاد سطح عالی فقه و اصول در حوزهٔ علمیه قم می‌باشم. در ضمن بحث، از من پرسید: درست است که می‌گویند شما شیعیان بعد از هر نماز سه بار دستها را تا بناگوش

ملاقات نموده، مباحثاتی داشتیم و خوب یکدیگر را از نظر علمی و اخلاقی و عقیدتی شناختیم. او از من خواست کتابهایی را برای آگاهی او از عقاید شیعه، از قم توسط حجاج برایش بفرستم. من هم کتاب «المراجعات» و «اصل الشیعه و اصولها» را برایش فرستادم. نوشته است که این دو کتاب چقدر روی او اثر گذاشته است.

استاد فقید افزود که او از من خواست ۳ جلد کتاب بزرگ «وافی» محدث فیض کاشانی و «النص والاجتهاد» مرحوم سید شرف الدین عاملی را هم برای او بفرستم، شما این زحمت را تقبل کنید.

گفتم: حاضریم. استاد نامه‌ای نوشت و همراه کتابها به من داد که در مکه به خانه شیخ زکریا رفته، به او تحویل دهم.

جالب است که وقتی بدون اطلاع قبلی در خانه‌اش را زدیم، او در حالی که «اصل الشیعه و اصولها» را در دست داشت، و انگشت در لای آن گذاشته بود، در را به روی مان گشود و ما را به خانه‌اش برد. استاد فقید آیت الله سلطانی فرموده بود که شیخ زکریا، طبقه بالای منزلش را به بعضی از حجاج ایرانی اجاره می‌دهد.

آن روز به رفقای همراه؛ آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله جعفر سبحانی و چند نفر

بالا می‌برید و می‌گویید: «خان‌الأمین»؟! گفتم: جای بسی تعجب است که این افسانه به قدری رسوخ یافته که حتی در دانشمندی مانند شما نیز اثر گذاشته است، با این که شما در همین مکه و موسم حج وسیله برای تحقیق دارید. آنگاه به وی گفتم: آن مرد را نگاه کن که مشغول نماز است. او یک نفر روستایی است و از روستاهای اصفهان آمده است. من او را از لباسش می‌شناسم. همین حالا بروید کنار او بنشینید، ببینید بعد از نماز که سه مرتبه دستها را تا بناگوش بالا می‌برد، چه می‌گوید.

شیخ زکریا رفت و برگشت و گفت: چیز عجیبی است! سه مرتبه گفت: «الله اکبر!» گفتم خوب، ببینید چقدر درباره ما شیعیان و پیروان اهل بیت حق‌کشی و ظلم شده است؟! وقتی شخصی مانند شما در محیطی مانند مکه، با این که راه برای تحقیق این مطلب دارید، تا کنون چنین باوری درباره ما داشته‌اید، دیگر از عوام الناس شما چگونه انتظار داشته باشیم که ما شیعیان را آنگونه که هستیم بشناسند و چنین نسبت‌های ناروا و دروغی را به ما ندهند؟ استاد فقید آیت الله سلطانی سپس افزود: پس از آن، تا در مکه بودیم روزها در وقت معین در مسجد الحرام با شیخ زکریا

استادان بزرگ حوزه علمی قم و عالمی به تمام معنی وارسته و آراسته بود.

شیخ زکریا پس از خواندن نامه، از این که حامل نامه و کتابها بودم تشکر کرد و گفت: «کتاب وافی را که جامع کتب اربعه شیعه است با معرفی آقای طباطبایی از او خواستم که برایم بفرستد. با این که به گفته ایشان محدث فیض کاشانی با آن مقام عالی علمی که در معقول و مقول داشته، آن را تألیف کرده است، و می باید کتابی گران قدر باشد، مع الوصف سید طباطبایی نوشته است من این کتاب را به درخواست شما می فرستم ولی ما ملتزم نیستیم که آنچه در این کتاب است همه صحیح و معتبر است، نه، بلکه مانند هر کتاب دیگری اخبار ضعیف و غیر قابل اعتماد هم در آن هست که ما در عمل آنها را مأخذ قرار نمی دهیم.»

سپس افزود: «این در حالی است که ما اصرار داریم آنچه در «صحاح سته» آمده، معتبر و قطعی الصدور است! ببینید تفاوت فکر چقدر است؟!»

شیخ زکریا ادامه داد: «سید طباطبایی خیلی بر من حق دارد، مرا از بسیاری از آنچه درباره شیعه امامیه می پنداشتم نجات داد و در گفتگو با او و مطالعه کتاب «اصل الشیعه و اصولها» و چند کتاب دیگر که به من داده

از روحانیون آبادانی گفتم من باید این کتابها و نامه را طبق نشانی به شیخ زکریا برسانم. خوب است همگی با هم به دیدن او برویم. آقایان هم پیشنهاد بنده را پذیرفتند و آمدند. شیخ زکریا که مردی نسبتاً کوتاه قد و سبزه رو بود و محاسنی کوسه مانند داشت، با خوشرویی ما را پذیرفت.

آقای سنابادی از علمای آبادان و سرپرست کاروان ما، همراهان را معرفی کرد. شیخ زکریا گفت: ماشاءالله با این مقام علمی که دارید همه جوان هستید!

سپس نامه استادسلطانی را خواند و گفت:

«من با سید محمد باقر طباطبایی (سلطانی) جلساتی داشتم. او را انسانی به تمام معنی کامل یافتم. (رجل آدمی) ضمن صحبت متوجه شدم افزون بر علم و کمال، عموزاده (آیت الله) آقای بروجردی فقیه بزرگ شما هم هست. واقعاً چه اخلاقی دارد و چه انسان دوست داشتنی است.»

این جا بود که نامه و کتابهای ارسالی استاد

فقید را به او دادم و مشغول خواندن نامه شد. گفتمی است آیت الله سلطانی رحمته که دو - سه سال پیش مرحوم شد واقعاً چنین بود. از لحاظ اخلاق و ادب اسلامی و آداب معاشرت، خُلق و خوی محمدی داشت. او از



است. وقتی زوار طبقه بالا را در اجاره ندارند، به آنجای روم و به مطالعه و استراحت می پردازم کتابخانه ام هم در طبقه پایین است. زخم که می بیند من پیوسته کتاب «اصل الشیعه» را در دست دارم، می گوید: این چه کتابی است که تو دست از آن بر نمی داری، بالا می روی در دست داری، پایین می آیی به همراه خود می آوری، و آن را از خود دور نمی کنی؟!»

است، متوجه شدم که چه حق کشی بر ضد شیعه شده است! سپس درباره ماجرای «خان الامین» که استاد فقید او را متوجه اشتباهش کرده بود، شرح داد. شیخ زکریا گفت: «این کتاب «اصل الشیعه» را همیشه با خود دارم. مرحوم کاشف الغطاء چقدر آن را خوب و فشرده نوشته

#### (۴)

در حالی که این هم از موارد حق کشی نسبت به شیعیان است؛ و نظیر همان «خان الامین» است؛ زیرا: اولاً: شیعیان به هیچ وجه در نظر ندارند که «العلی» یعنی علی علیه السلام و اگر کسی چنین تصویری دارد تهمتی بیش نیست و «هذا بهتان عظیم» ثانیاً: «صدق الله العلی العظیم» که ما پس از قرائت هر قسمتی از قرآن مجید می گوئیم، همگی الفاظ قرآنی است. در حالی که «صدق الله العظیم» چنین نیست! برای این که در تمام آیات قرآنی، شبه جمله و دو صفت پیوسته «الله العظیم» در حالت رفع را نداریم ولی در دو جای قرآن مجید به «العلی العظیم» به حالت رفع هست.

مطلب دیگری که هر چند مختصر است و شاید چندان مهم هم نباشد، لیکن در عین حال لازم به ذکر است و من آن را هم حق کشی و بی انصافی نسبت به طایفه شیعه امامیه می دانم، این است که همه می بینید و می شنوید که در بسیاری از کشورهای اسلامی وقتی قاریان قرآن کریم قسمتی از آیات قرآن را می خوانند، در پایان می گویند: «صدق الله العظیم» اما شیعیان می گویند: «صدق الله العلی العظیم». آنها که «صدق الله العظیم» می گویند، چنین می پندارند که مراد شیعه از «العلی»، علی علیه السلام خلیفه چهارم (به اعتقاد آنها) است و این را نمونه ای از موارد مخالفت شیعه با اکثریت مسلمین یعنی اهل سنت می دانند!

«الله العظيم» به حالت رفع هر دو صفت در قرآن کریم نیست!

حال به جاست هر مسلمانی که این توضیح را می‌خواند، به دفاع از شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت برخیزد و غافلان را مطلع سازد که این تهمت را به ما روا ندارند، و نیز شهامت داشته باشد که او هم مانند مادر پریان قرائت قرآن کریم سه واژه‌ای را که در قرآن آمده، به کار گیرد تا به فرمان خداوند که فرمود: «فَبَشِّرْ عِبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» عمل کرده باشد. وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

۱ - در سوره بقره، آیه ۲۵۵: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»

۲ - در سوره شوری، آیه ۴: «لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»

«الله العظيم» در حالت مجرور بودن هر دو صفت هم هست (بِالله العظيم - الحاقه آیه ۳۴) ولی سخن در این است که

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- میقات حج، شماره ۲۵، ص ۹۱
- ۲- میقات حج شماره ۲۵، ص ۹۷
- ۳- قرب الاسناد، چاپ سنگی، ص ۶۵
- ۴- «إِنَّ عَلِيًّا أَجَازَهُ أَمَانَ عَبْدَ لِأَهْلِ حِصْنِ وَقَالَ هُوَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»
- ۵- «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ذَمَّتْهُ كَذَمَّتْهُمْ فَلْيَنْفِذْ أَمَانَهُ فَاثْمَانَهُ»
- معجم البلدان، چاپ دار صادر بیروت، ج ۳، ص ۲۶۰. یاقوت در آخر می‌گوید: بعضی گفته‌اند که عرب قعله یراف را «شهر یاج» می‌نامید.
- ۶- این سخن از خلیفه عمر معروف است که بارها گفته است: «لا ابقانی الله فی معضلة لیس لها ابوالحسن»؛ «خدا نکند مشکلی برای من پیش بیاید که علی نباشد آن را حل کند».
- ۷- کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۵۸
- ۸- میقات حج، فارسی شماره ۲۵، ص ۹۲
- ۹- میقات حج، فارسی شماره ۲۵، ص ۹۲

## فهرست یک‌ساله مقالات «میقات حج»

(سال هفتم)

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۵	۵	حضرت امام خمینی - قدس سره -	حج در کلام رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی
۲۶	۵	حضرت امام خمینی - قدس سره -	حج در کلام رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی
۲۷	۵	حضرت امام خمینی - قدس سره -	حج در کلام رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی
۲۸	۵	حضرت امام خمینی - قدس سره -	حج در کلام رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی
۲۵	۷	حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی -	حج در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی
۲۶	۷	حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی -	حج در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی
۲۷	۷	حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی -	حج در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی
۲۸	۷	حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی -	حج در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی

۲۵	۹		سرمقاله
----	---	--	---------

### ● اسرار و معارف حج

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۵	۱۰	قادر فاضلی	۱ - حج در عرفان و ادبیات اسلامی (۱)
۲۵	۲۹	سید جواد ورعی	۲ - مبانی دینی براءت از مشرکان (۱)

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۶	۱۰	محمد علوی مقدم	۳- حج در کتاب خداوند
۲۶	۲۷	سید جواد ورعی	۴- مبانی دینی برائت از مشرکان (۲)
۲۷	۱۰	محمد علوی مقدم	۵- حج در کتاب خداوند (۲)
۲۷	۲۹	اسماعیل اولیائی	۶- اهداف اجتماعی - اقتصادی کنگره حج
۲۸	۱۰	محمد علوی مقدم	۷- حج در کتاب خداوند (۳)
۲۸	۳۱	غلامعلی حداد عادل	۸- اسلام در آیینة حج

## ● فقه حجّ

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۵	۴۴	محمد جواد ارسطا	۱- قربانی در منا و مشکل اسراف
۲۵	۷۳	محمدحسین فالاحزاده	۲- استفتاءات جدید
۲۶	۴۴	مهدی مهریزی	۳- نگرشی تازه به رمی جمرات
۲۶	۵۶	محمدحسین فالاحزاده	۴- استفتاءات جدید
۲۷	۴۶	محمدحسین فالاحزاده	۵- استفتاءات جدید حج

## ● تاریخ و رجال

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۵	۸۴	محمد الدقن / هادی انصاری	۱- جامه کعبه معظمه در طول تاریخ (۱)
۲۵	۹۹	WERNER ENDE / رسول جعفریان	۲- جامه شیعیه در مدینه منوره
۲۶	۷۲	کاظم مدیرشانهچی	۳- حج پیامبر ﷺ
۲۶	۹۶	محمد صادق نجمی	۴- آیا فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> در روضه دفن شده است؟!
۲۶	۱۱۴	محمد الدقن / هادی انصاری	۵- جامه کعبه معظمه در طول تاریخ (۲)
۲۷	۵۶	محمد الدقن / هادی انصاری	۶- جامه کعبه معظمه در طول تاریخ (۳)
۲۷	۷۲	کمال السید / جواد محدثی	۷- راه غدیر
۲۸	۴۸	محمد صادق نجمی	۸- حضرت حمزه سیدالشهدا و حرم شریفش
۲۸	۷۳	محمد الدقن / هادی انصاری	۹- جامه‌های شریف: حجره، منبر و...



مقاله	نویسنده	ش	ص
۱۰ - مدینه، جندوم (۲)	محمدباقر حسینی خلخالی / محمد رضا فرهنگ	۲۸	۹۱
۱۱ - حج پیامبر (۲)	کاظم مدیرشانه‌چی	۲۸	۱۰۹

### ● اماکن و آثار

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱ - مسجد نبوی در گذر تاریخ	سید محمد باقر حجّتی	۲۵	۱۲۰
۲ - توسعه جدید مسجد نبوی	سلمی دملوجی / رضا مروارید	۲۵	۱۳۸
۳ - زهة الناظرین	جعفر بن اسماعیل البرزنجی / جواد محدّثی	۲۵	۱۵۵
۴ - دُجره‌های شریف نبوی ﷺ	صفوان عدنان داودی / صادق آئینه‌وند	۲۶	۱۲۸
۵ - مسجد نبوی در گذر تاریخ (۲)	سید محمد باقر حجّتی	۲۶	۱۴۸
۶ - مدینه، جنت دوم	محمدباقر حسینی خلخالی / محمد رضا فرهنگ	۲۷	۹۶
۷ - وصف مدینه منوره	علی بن موسی / اصغر قائدان	۲۷	۱۲۷
۸ - پیوند «زمزم» و «کوثر»	محمد تقی رهبر	۲۸	۱۳۴
۹ - وصف مدینه منوره (۲)	علی بن موسی / اصغر قائدان	۲۸	۱۵۱

### ● حج در آیین ادب فارسی

مقاله	نویسنده	ش	ص
○ حج در اشعار حسان العجم	قادر فاضلی	۲۷	۱۴۴

### ● فاطرات

مقاله	نویسنده	ش	ص
۱ - سفرنامه حاج علی خان اعتماد السلطنه	سیدعلی قاضی‌عسکر	۲۵	۱۶۶
۲ - در ملکوت زمین	جواد محقق نیشابوری	۲۶	۱۶۰
۳ - وعده وصل	فاطمه صالحی	۲۷	۱۹۲
۴ - وادی احرام	سیدعلی قاضی‌عسکر	۲۸	۱۸۴

● از نگاهی دیگر

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۵	۱۹۲		۱- نگاهی به مطبوعات عربستان
۲۵	۲۰۷	ملیحه نیک‌زینت متین	۲- تأثیر فضاها و مکانها معنوی بر ...
۲۶	۱۸۰	محمد علی مهدوی‌راد	۳- ره‌آوردی از دیار دوست
۲۶	۱۹۱	مرتضی باقری	۴- نگاهی به مطبوعات عربستان
۲۷	۲۰۰	صادق آئینه‌وند	۵- آشنایی با «مرکز أبحاث الحج» مکه مکرمه
۲۸	۲۰۰	صادق آئینه‌وند	۶- بازدید از «رابطة العالم الإسلامي»
۲۸	۲۰۷	علی دوانی	۷- علی <small>عليه السلام</small> و ارسال پرده کعبه

● نقد و معرفی کتاب

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۷	۱۸۰	مهدی مهریزی	○ کتابخانه‌های مدینه منوره

● گفتگو

ش	ص	نویسنده	مقاله
۲۷	۱۶۲		۱- مصاحبه با استاد محقق داماد
۲۸	۱۶۶		۲- نشست با نماینده محترم ولی فقیه در امور حج و زیارت

# فهرست مؤلفان مقاله‌های «میقات حج»

## (سال هفتم)

۲۰۰	۲۸	بازدید از «رابطة العالم الإسلامي»	آئینه‌وند، صادق
۲۰۰	۲۷	آشنایی با «مرکز أبحاث الحج» مکه مکرمه	آئینه‌وند، صادق
۴۴	۲۵	قربانی در منا و مشکل اسراف	ارسطا، محمد جواد
۱۵۵	۲۵	نزهة الناظرین	البرزنجی، جعفر بن اسماعیل / محدثی، جواد
۸۴	۲۵	جامه کعبه معظمه در طول تاریخ (۱)	محمد الدقن / انصاری، هادی
۱۱۴	۲۶	جامه کعبه معظمه در طول تاریخ (۲)	محمد الدقن / انصاری، هادی
۵۶	۲۷	جامه کعبه معظمه در طول تاریخ (۳)	محمد الدقن / انصاری، هادی
۷۳	۲۸	جامه‌های شریف: حجره، منبر و...	محمد الدقن / انصاری، هادی
۷۲	۲۷	راه غدیر	کمال السید / محدثی، جواد
۲۹	۲۷	اهداف اجتماعی - اقتصادی کنگره حج	اولیائی، اسماعیل
۱۹۱	۲۶	نگاهی به مطبوعات عربستان	باقری، مرتضی
۱۲۰	۲۵	مسجد نبوی در گذر تاریخ	حجتی، سید محمد باقر
۱۴۸	۲۶	مسجد نبوی در گذر تاریخ (۲)	حجتی، سید محمد باقر
۳۱	۲۸	اسلام در آئینه حج	حداد عادل، غلامعلی
۹۶	۲۷	مدینه، جنت دوم	حسینی خلخالی، محمدباقر / فرهنگ، محمدرضا
۹۱	۲۸	مدینه، جنت دوم (۲)	حسینی خلخالی، محمدباقر / فرهنگ، محمدرضا
۱۲۸	۲۶	حجره‌های شریف نبوی ﷺ	صفوان عدنان داودی / آئینه‌وند، صادق

۱۳۸	۲۵	توسعه جدید مسجد نبوی	سلمی دملوجی/امروارید، رضا
۲۰۷	۲۸	علی <small>علیه السلام</small> و ارسال پرده کعبه	دوانی، علی
۱۳۴	۲۸	پیوند «زمزم» و «کوثر»	رهبر، محمد تقی
۱۹۲	۲۷	وعده وصل	صالحی، فاطمه
۱۰	۲۶	حج در کتاب خداوند	علوی مقدم، محمد
۱۰	۲۷	حج در کتاب خداوند (۲)	علوی مقدم، محمد
۱۰	۲۸	حج در کتاب خداوند (۳)	علوی مقدم، محمد
۱۲۷	۲۷	وصف مدینه منوره	علی بن موسی / اصغر قائدان
۱۵۱	۲۸	وصف مدینه منوره (۲)	علی بن موسی / اصغر قائدان
۱۰	۲۵	حج در عرفان و ادبیات اسلامی	فاضلی، قادر
۱۴۴	۲۷	حج در اشعار حسان العجم	فاضلی، قادر
۷۳	۲۵	استفتاءات جدید حج	فلاح زاده، محمدحسین
۵۶	۲۶	استفتاءات جدید حج	فلاح زاده، محمدحسین
۴۶	۲۷	استفتاءات جدید حج	فلاح زاده، محمدحسین
۱۶۶	۲۵	سفرنامه حاج علی خان اعتماد السلطنه	قاضی عسکر، سیدعلی
۱۸۴	۲۸	وادی احرام	قاضی عسکر، سیدعلی
۱۶۰	۲۶	در ملکوت زمین	محقق نیشابوری، جواد
۷۲	۲۶	حج پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	مدیرشانه چی، کاظم
۱۰۹	۲۸	حج پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> (۲)	مدیرشانه چی، کاظم
۱۸۰	۲۶	ره آوردی از دیار دوست	مهدوی راد، محمد علی
۴۴	۲۶	نگرشی تازه به رمی جمرات	مهریزی، مهدی
۱۸۰	۲۷	کتابخانه‌های مدینه منوره	مهریزی، مهدی
۹۶	۲۶	آیا فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> در روضه دفن شده است؟!	نجمی، محمد صادق
۴۸	۲۸	حضرت حمزه سیدالشهدا و حرم شریفش	نجمی، محمد صادق
۲۰۷	۲۵	تأثیر فضاها و مکانها معنوی بر ...	نیکزینت متین، ملیحه
۲۹	۲۵	مبانی دینی برائت از مشرکان (۱)	ورعی، سید جواد
۲۷	۲۶	مبانی دینی برائت از مشرکان (۲)	ورعی، سید جواد
۹۹	۲۵	جامعه شیعه در مدینه منوره	WERNER ENDE / رسول جعفریان